گفت‌وگو

ناصر قندیل، سردبیر روزنامه لبنانی البناء در گفت‌وگو با «رسالت»:

تجزیه منطقه راهبرد مشترک واشنگتن و تل آویو است

سردبیر روزنامه لبنانی البناء تاکید کرد: تجزیه منطقه غرب آسیا تبدیل به یک هدف واحد و راهبردی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است.

ناصر قندیل در گفت و گو با «رسالت» اظهار داشت: «برخی تصور می کنند تجزیه منطقه یک ایده انتزاعی در حوزه سیاسی و راهبردی غرب و رژیم صهیونیستی محسوب می شود اما آنچه در طول سال های گذشته و اخیرا به وقوع پیوسته این گزاره را تایید می کند که این مسئله تبدیل به یک هدف مشترک و عملیاتی از سوی واشنگتن و تل آویو محسوب می شود. آنها (آمریکا و رژیم صهیونیستی) در راستای رسیدن به این هدف شوم از همه ابزارها و مهره های خود استفاده می کنند.»

این تحلیلگر لبنانی تصریح کرد: «در مواجهه با این جنگ ترکیبی مشترک واشنگتن و تل آویو، جبهه مقاومت به صورتی آگاهانه و مقتدرانه در صحنه و منطقه حاضر شده و بسیاری از نقشه های دشمنان را هدف قرار داده است.»

نکته

پیش در آمدی بر جنگ داخلی در مینه سوتا

به نظر می رسد کابوس یک جنگ داخلی جدید، این بار نه بر سر برده داری که بر سر تفسیر از قانون اساسی و حدود اختیارات، به شکل هولناکی در حال نزدیک شدن به آمریکا است. بحرانی که ریشه در رویارویی مستقیم دولت فدرال دونالد ترامپ با ایالت مینه سوتا دارد و اکنون با تهدید رئیس جمهور آمریکا به استفاده از «قانون شورش» برای استقرار ارتش در خاک خودی، ابعادی بی سابقه ای یافته است.

درگیری اخیر بر سر عملیات گسترده مأموران مهاجرت و گمرک (ICE) در ایالت مینه سوتا، که با مخالفت سرسختانه فرماندار دموکرات این ایالت، تیم والتز، مواجه شده، به عرصه ای برای آزمون نهایی قدرت تبدیل شده است. فرماندار مینه سوتا در پاسخ به این عملیات، گارد ملی ایالت را در حالت آماده باش کامل قرار داده است. از سوی دیگر، دونالد ترامپ با اشاره به اختیارات خود بر اساس «قانون شورش» مصوب ۱۸۰۷، عملاً تهدید کرده که در صورت لزوم، نیروهای ارتش ایالات متحده را برای مقابله با مقاومت ایالتی به کار خواهد گرفت.

این تقابل آشکار، جامعه تحلیلگران سیاسی و حقوقی آمریکا را به شدت نگران کرده است. «کلر فینکل ستاین»، استاد برجسته حقوق، در مقاله ای در روزنامه گاردین از نتایج یک تمرین شبیه سازی که در اکتبر ۲۰۲۴ توسط مرکز اخلاقیات و حاکمیت قانون دانشگاه پنسیلوانیا انجام شده، پرده برداشت. این شبیه سازی که برای پیش بینی واکنش ها در برابر عملیات امنیتی غیرمحبوب یک رئیس جمهور فرضی طراحی شده بود، به نتیجه ای هشداردهنده رسید: مقاومت یک فرماندار ایالتی و وفاداری گارد ملی به ایالت، می تواند منجر به درگیری مسلحانه مستقیم بین نیروهای فدرال و ایالتی شود. فینکل ستاین تأکید کرد که آنچه امروز در مینه سوتا می گذرد، به شکل نگران کننده ای در حال بازتولید همان سناریوی فرضی است.

این هشدارها حتی از سوی برخی جدی ترین مطرح می شود. «استیو سایدمن»، استاد علوم سیاسی، در تحلیل خود وضعیت کنونی را حتی از سناریوی شبیه سازی شده نیز خطرناک تر توصیف کرده و هشدار داده است که ایالات متحده ممکن است تنها «در فاصله ساعات یا روزهایی تا یک جنگ داخلی» باشد. به گفته وی، اگر گارد ملی مینه سوتا عملاً مانع از عملکرد مأموران فدرال ICE شود، منطق قانونی دولت فدرال، استفاده از ارتش را تجویز می کند. نتیجه رویارویی مستقیم ارتش و گارد ملی یک ایالت، می تواند به یک «انفجار ناگهانی» و غیرقابل کنترل بینجامد.

این بحران، صرفاً یک درگیری سیاسی گذرا نیست، بلکه نشانگر یک شکاف ساختاری عمیق در نظام فدرالی آمریکاست. پرسش های بنیادینی درباره حدود اختیارات دولت مرکزی در برابر حقوق ایالت ها، که از زمان تأسیس این کشور وجود داشته، اکنون در آستانه تبدیل شدن به یک رویارویی عملی قرار گرفته است. برخی تحلیلگران، مدیریت بحران های دوره ترامپ را به «واگن های پشت سر هم ترامپا» تشبیه می کنند که همواره بحران جدیدی در راه است و تنها «شانس» مانع از وقوع فاجعه تاکنون بوده است.

نشریه القدس العربی نیز در گزارشی به نقل از کارشناسان نوشت که فضای بی ثبات و پرتنش حاکم بر دوران کنونی، احتمال تبدیل هر حرقه کوچک - از جمله درگیری فیزیکی شهروندان با مأموران با گارد ملی با ICE- به یک آتش سوزی بزرگ را به شدت افزایش داده است. بنابراین صحنه سیاسی آمریکا در حالی وارد مرحله ای تعیین کننده شده که نه تنها ثبات داخلی این کشور، بلکه تصویر آن به عنوان نماد دموکراسی لیبرال را نیز به مخاطره انداخته است. تقابل دولت فدرال ترامپ و ایالت مینه سوتا، دیگر یک اختلاف نظر ساده نیست، بلکه آزمونی سرنوشت ساز برای انسجام ملی، حاکمیت قانون و توانایی نظام ایالات متحده برای حل بحران های خود بدون توسل به زور است. چشم ها به تحولات روزهای آینده در مینه سوتا دوخته شده است؛ تحولاتی که می تواند تعیین کند که آیا آمریکا از لبه این پرتگاه خطرناک به عقب بازمی گردد یا خیر.

مناقشات جدی در دوسوی آتلانتیک

اروپا و جاه‌طلبی های نوین آمریکا

حنیف غفاری

تحولات اخیر پیرامون جزیره راهبردی گرینلند، که زمانی تنها یک موضوع حاشیه‌ای در معادلات ژئوپلیتیک محسوب می‌شد، اکنون به یک "کابوس تمام‌عیار" برای قدرت‌های سنتی اروپایی تبدیل شده است. این جزیره یخ‌زده، با ذخایر معدنی عظیم، موقعیت منحصربه‌فرد در مسیرهای کشتیرانی جدید قطب شمال و اهمیت نظامی بالقوه، از محلی برای همکاری‌های کم‌اهمیت، به‌عرصه‌ای برای بروز شکاف‌های پنهان میان بازیگران اصلی اقیانوس اطلس بدل گشته است. در قلب این مناقشه، ایستادگی ظاهری برخی رهبران اروپایی، مانند صدراعظم آلمان، در برابر "زیاده‌خواهی‌های واشنگتن" قرار دارد، در حالی که اخبار متناقضی مبنی بر خروج نیروهای آلمانی از منطقه نیز منتشر می‌شود. این وضعیت بغرنج، پرسش اصلی را مطرح می‌سازد: قدرت واقعی تحولات جاری در گرینلند چیست و چگونه اروپایی‌ها قربانی منطقی سیاست‌هایی شده‌اند که خود در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند؟

ریشه‌های وابستگی اروپایی و میراث ناتو

برای درک بحران گرینلند، ابتدا باید به فهم عمیقی از رابطه چند دهه‌ای اروپا با ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم دست یافت. تشکیل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نه تنها یک پیمان دفاعی، بلکه مبدأ یک وابستگی استراتژیک شد که عملاً کشورهای اروپایی را در «زمین بازی» واشنگتن قرار داد. اروپا، به جای توسعه یک دکترین دفاعی مستقل، به یک «بال مکمل» برای منافع و مداخلات نظامی ایالات متحده در نظام بین‌الملل تبدیل شد.

این وابستگی در مقاطعی مانند جنگ عراق و اشغال افغانستان به وضوح نمایان شد. اگرچه مقامات ارشد سیاسی مانند ژاک شیراک (فرانسه) و گرهارد شرودر (آلمان) در مقطعی مخالفت‌های سیاسی خود را ابراز کردند، اما پس از وقوع اشغال، نیروهای اروپایی در غرب آسیا و افغانستان، به شکلی فعال در راستای تکمیل پازل‌های نظامی ایالات متحده عمل کردند. جنایات و اقدامات نیروهای ناتو در این مناطق چنان گسترده و تکان‌دهنده بود که حتی برخی نهادهای حقوق بشری در غرب را نیز به موضع‌گیری واداشت. این "پیوستگی مطلق" صرفاً هزینه سیاسی و نظامی به همراه نداشت؛ بلکه هزینه‌های سنگینی بر جوامع اروپایی تحمیل کرد و شکاف عمیقی میان شهروندان و رهبران حامی این سیاست‌ها ایجاد کرد. نظرسنجی‌ها طی دو دهه اخیر در سراسر قاره سبز، همواره مؤید نارضایتی عمومی از این وابستگی حقارت‌آمیز بوده است.

تحقیر متقابل در عصر ترامپیسم و ناسیونالیسم نوظهور

با وجود هشدارهای مکرر افکار عمومی، احزاب اصلی اروپا، چه سوسیال دموکرات و چه محافظه‌کار (از ماکرون در فرانسه تا مرتز در آلمان)، مسیر بازی در زمین واشنگتن را ادامه دادند. اما شرایط هنگامی به نقطه جوش رسید که رویکرد ترامپیسم، که بر مبنای ناسیونالیسم آمریکایی و بازنگری در تعهدات بین‌المللی بنا شده بود، وارد معادلات شد. ترامپ در اثبات جاه‌طلبی‌های خود، به‌ویژه در قبال گرینلند، از رویکرد تحقیرآمیز خود نسبت به رهبران اروپا به عنوان اهرمی برای پیشبرد منافع آمریکا استفاده کرد. اظهارات وی در خصوص ضعف رهبرانی چون ماکرون و یادآوری وابستگی قاره سبز به سایه امنیتی آمریکا، صورت مسئله را آشکارساخت: واشنگتن دیگر اروپا را صرفاً یک شریک نمی‌بیند، بلکه آن را مهره‌ای مطیع و قابل باج‌گیری می‌داند. در چنین فضایی، ایده واگذاری یا کنترل بیشتر بر دارایی‌های استراتژیک مانند گرینلند نه تنها یک مذاکره، بلکه یک مطالبه مبتنی بر قدرت مسلّم تلقی شد. این وضعیت نشان دهنده آن است که اروپا دیگر قدرت چانه‌زنی در قبال ایالات متحده را از دست داده است؛ نیرویی که همواره متمم نقشه‌های اشغالگرایانه آمریکا در سطح جهانی بوده، اکنون در قامت یک "مهره" دیده می‌شود.

گرینلند؛ قربانی جدید در غرب

گرینلند، با داشتن بزرگ‌ترین ذخایر لیتیوم، روی، عناصر نادر خاکی و نفت در منطقه قطب شمال، به یک دروازه استراتژیک بدل شده است. ذوب شدن یخ‌ها، این جزیره را به نقطه‌ای محوری برای کشتیرانی جهانی و رقابت ابرقدرت‌ها (به ویژه آمریکا، چین و روسیه) تبدیل کرده است. زمانی که اروپا با حسن نیت (یا ساده‌لوحی استراتژیک) درپی حفظ نظم لیبرال غربی بود، ناخواسته بستری را فراهم کرد که در آن منافع ملی آمریکا بتواند بدون در نظرگرفتن ملاحظات سنتی متحدین اروپایی، تعریف شود.

اروپایی‌ها که عادت به تکمیل پازل‌های راهبردی آمریکا داشتند، اکنون با بحرانی بی‌سابقه روبه‌رو شده‌اند؛ بحران سلب اختیار بر منافع استراتژیک نزدیک به خودشان. آن‌ها اکنون در وضعیتی قرار گرفته‌اند که به بازیگری باخته‌اند که خود قوانین بازی را برای حریف تعریف کرده بود. ترامپ با درک کامل این پارادایم، اکنون از این نقطه ضعف برای باج‌خواهی نهایی استفاده می‌کند. او می‌داند که اروپا برای حفظ ظاهر اتحاد ناتو و تداوم سایه نظامی آمریکا، مجبور به پذیرش هزینه‌هایی خواهد بود که دیگر مستقیماً به نفع این قاره نیست. این بدترین معامله‌ای است که ایالات متحده می‌تواند با مهره‌های اروپایی خود انجام دهد، و باید به عنوان یک درس عبرت بزرگ در روابط بین‌الملل ثبت شود.

فروپاشی روایت اعتماد در غرب

بازگشت این "بومرنگ" به قاره‌سبز، ضربه‌ای کاری به ساختار اعتماد و همبستگی اروپایی وارد کرده است. اروپا سال‌هاست که قدرت‌های منطقه‌ای (مانند روسیه) و جهانی (مانند چین) را به دلیل آنچه "دخالت در امور داخلی" می‌نامیدند، محکوم کرده است؛ اما خود درماجرای گرینلند، ناظر بر مداخله آشکار و تحمیل اراده یک شریک استراتژیک پیشین است.

موضع‌گیری‌های متناقض در برلین و پاریس، نه از سر قدرت، بلکه از عمق سرخوردگی نشأت می‌گیرد. تلاش برای ایستادگی در برابر واشنگتن، بدون داشتن زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی کاملاً مستقل، محکوم به شکست است. این بحران، نیاز حیاتی اروپا به دستیابی به استقلال استراتژیک (Strategic Autonomy) را بار دیگر فریاد می‌زند؛ استقلالی که سال‌هاست تنها در حد شعار باقی مانده است. در پرونده گرینلند، جایی برای تنفس حداقلی برای بازیگرانی که خود را برتر از بازی‌های قدرت می‌دانستند، باقی نمانده است. این واقعه، سندی است بر این ادعا که اتحادهای مبتنی بر وابستگی مطلق، در نهایت بهای سنگینی بر طرف ضعیف‌تر تحمیل خواهند کرد.

اروپا و معمای جاه‌طلبی آمریکا

مسئله گرینلند صرفاً رقابت بر سر یک جزیره نیست، بلکه سنجه‌ای است برای سنجش میزان بلوغ ژئوپلیتیک اروپا. این بحران نشان داد که ساختارهای دفاعی قدیمی، مانند ناتو، در برابر جاه‌طلبی‌های نوین و یک‌جانبه‌گرای قدرت مسلط، کارایی لازم را ندارند. رهبران اروپایی باید دریابند که همراهی کورکورانه با سیاست‌های واشنگتن در شرق میانه یا افغانستان، دیر یا زود به معنای از دست دادن کنترل بر منابع و مناطق حیاتی خود در شمالگان خواهد بود.

شکست در مدیریت این بحران به معنای تسلیم کامل حاکمیت ژئوپلیتیکی اروپا به یک قدرت خارجی است. درسی که باید از بازگشت این بومرنگ آموخته شود، این است که اتحادهای بین‌المللی تنها در صورتی پایدار و سودمند هستند که بر مبنای احترام متقابل و منافع مشترک تعریف شده، و نه براساس سلسله مراتب قدرت، بنا شوند. اگر اروپا خواهان حفظ جایگاه خود در جهان چندقطبی آینده است، باید همین حالا روایت استقلال استراتژیک خود را با اقدامات عملی و خروج از سایه بلند واشنگتن، به واقعیت تبدیل کند، پیش از آنکه آخرین قطعه از این پازل، یعنی کنترل بر دارایی‌های حیاتی‌اش، از دست برود. موضوعی که با توجه به حضور سیاستمدارات ضعیف‌تر کنونی در اروپا بعید به نظر می‌رسد.

بومرنگی که به اروپا بازگشت

نام "گرینلند" و تحولاتی که در این جزیره راهبردی رخ می دهد، تبدیل به یک کابوس تمام عیار برای کشورهای اروپایی شده است. یکی از کشورهایی که در بطن این مناقشه قرار دارد، آلمان است. فردریش مرتز صدراعظم سرزمین ژرمن‌ها و وزیر خارجه دولت او طاهرا مواضع سرسختانه ای در قبال رویکرد خاص آمریکا در قبال گرینلند اتخاذ کرده و وعده داده اند در برابر زیاده خواهی های واشنگتن در قبال این جزیره ایستادگی کنند. به صورت همزمان اخباری در خصوص ترک گرینلند توسط نیروهای آلمانی مخابره شده که توسط برخی رسانه های اروپایی تایید و توسط برخی دیگر تکذیب شده است! به راستی قدرمتقین تحولات جاری در گرینلند چیست؟ چگونه این پدیده را باید مورد تجزیه وتحلیل قرار داد و نقش خود کشورهای اروپایی در شکل گیری معادله یک طرفه و سلطه گرایانه ای که ترامپ ترسیم کرده چیست؟

پس از تشکیل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) شاهد بازی مستقیم کشورهای اروپایی در زمین ایالات متحده آمریکا بوده ایم. این مسئله در تاریخ معاصر نمود ویژه ای داشته است؛ جایی که اعضای اروپایی ناتو تبدیل به بال مکمل اشغالگری و تجاوز واشنگتن در نظام بین الملل تبدیل شده اند. به عنوان مثال در جریان اشغال افغانستان و عراق شاهد بودیم که علی رغم مخالفت های ظاهری ژاک شیراک و شرودر(مقامات سابق فرانسوی و آلمانی) با جنگ ، آنها پس از اشغال این دو کشور بدترین اقدامات ممکن را در راستای تکمیل پازل اشغالگری واشنگتن در غرب آسیا و افغانستان صورت دادند. سیاهه جنایات نیروهای اروپایی ناتو در افغانستان و عراق به اندازه ای طولانی و تکان دهنده است که حتی افشای آنها صدای برخی نهادهای حقوق بشری در غرب را نیز در آورده است. پیوستگی مطلق اروپا و آمریکا مولد هزینه های زیادی برای قاره سبز بوده و شهروندان کشورهای اروپایی بارها نسبت به این تعلق خاطر مطلق و وابستگی حقارت آمیزه سران کشورهایشان هشدار داده اند. نظرسنجی ها و پیمایشهای تحقیقاتی که در طول دو دهه اخیر در اروپا صورت گرفته بیانگر همین حقیقت است.

با این حال احزاب سوسیال دموکرات و محافظه کار در غرب از ماکرون و مرتز گرفته تا دیگران به بازی مستقیم و مطلق خود در زمین واشنگتن ادامه دادند. امروز کار به جایی رسیده که ترامپ رئیس جمهور آمریکا در اثبات زیاده خواهی خود در گرینلند، رویکرد حقارت آمیز اروپا و وابستگی قاره سبز به آمریکا را به افرادی ناتوان مانند ماکرون، رئیس جمهور فرانسه یادآوری می کند. حتی ترامپ یک گام فراتر نهاده و با لحنی تحقیر آمیز در خصوص رهبران اروپایی و نوع وابستگی آنها به واشنگتن سخن می گوید. صورت مسئله گویاست: ترامپ رسما مقامات اروپایی را بابت وابستگی آنها به آمریکا تحقیر نموده و اشغال گرینلند را نیز در چنین فضایی حق واشنگتن تلقی می کند!

اروپائیان که همواره تکمیل کننده پازل های راهبردی و پروژه های اشغالگرایانه آمریکا در نظام بین الملل بوده اند اکنون با بحران بی سابقه و تمام عیاری در گرینلند مواجه شده اند که قدرت مدیریت آن را به صورت آشکار از دست داده اند. در این معادله آنها قربانی بازیگری شده اند که به بازی در زمین آن عادت کرده اند! ترامپ نیاز از این مسئله نهایت سوء استفاده ممکن را نموده و معتقد است زمان باج خواهی از مهره های اروپایی واشنگتن فرا رسیده است! این بدترین معامله ایست که آمریکا با مهره های اروپایی خود نموده و باید به مثابه درسی بزرگ در حوزه روابط بین الملل مورد استناد و مطالعه قرار گیرد. بومرنگی که اروپائیان در همراهی با آمریکا به سرتاسر دنیا پرتاب می کردند اکنون به سوی قاره سبز بازگشته و جایی برای تنفس حداقلی آن در پرونده موسوم به "تصرف گرینلند" باقی نگذاشته است.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای
اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان رضوی

نوبت اول

آگهی مزایده

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان رضوی در نظر دارد مزایده زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید:

ردیف	شماره مزایده	موضوع مزایده	غرفه	شماره فراخوان در سامانه	مبلغ تضمین (ریال)
۱	۱۴۰۴/۳۱/۲۲۰	واگذاری اباب غرفه جهت فعالیت شرکت حمل و نقل در پایانه بار شهید خبیری (نوبت اول)	D۱	۵۰۰۴۰۰۱۴۲۳۰۰۰۰۴۷	۱,۷۴۱,۶۴۷,۶۰۰
۲	۱۴۰۴/۳۱/۲۲۴	واگذاری اباب غرفه جهت فعالیت شرکت حمل و نقل در پایانه بار شهید خبیری (نوبت اول)	D۲	۵۰۰۴۰۰۱۴۲۳۰۰۰۰۴۸	۱,۵۱۷,۳۴۴,۵۰۰
۳	۱۴۰۴/۳۱/۲۲۵	واگذاری اباب غرفه جهت فعالیت شرکت حمل و نقل در پایانه بار شهید خبیری (نوبت اول)	D۳	۵۰۰۴۰۰۱۴۲۳۰۰۰۰۴۹	۱,۴۶۴,۵۶۷,۳۰۰
٤	۱۴۰۴/۳۱/۲۲۶	واگذاری اباب غرفه جهت فعالیت شرکت حمل و نقل در پایانه بار شهید خبیری (نوبت اول)	D٤	۵۰۰۴۰۰۱۴۲۳۰۰۰۰۵۰	۱,۴۱۱,۷۹۰,۱۰۰
٥	۱۴۰۴/۳۱/۲۲۷	واگذاری اباب غرفه جهت فعالیت شرکت حمل و نقل در پایانه بار شهید خبیری (نوبت اول)	D٥	۵۰۰۴۰۰۱۴۲۳۰۰۰۰۵۱	۱,۶۳۶,۰۹۳,۲۰۰

- تاریخ انتشار و دریافت اسناد مزایده : از ساعت ۱۱:۰۰ شنبه مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴ تا ساعت: ۱۷:۰۰ شنبه مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
- مهلت بازدید : از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۴ تا ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ (ساعت ۰۸:۰۰ لغایت ۱۲:۰۰ در روزهای کاری و غیر تعطیل)
- مهلت ارائه پیشنهاد : تا ساعت ۱۷:۰۰ چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹
- تاریخ و ساعت بازگشایی : ساعت ۱۰:۰۰ شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
- مهلت تحویل ضمانت نامه شرکت در مزایده تا راس ساعت ۰۸:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ به دبیرخانه اداره کل می باشد.
- محل دریافت و تحویل اسناد مزایده: درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir
- اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار : مشهد- انتهای خیابان فدائیان اسلام - کد پستی ۹۱۷۳۶۹۵۶۳۶- تلفن تماس ۸-۳۳۴۱۲۰۲۴-۰۵۱ و نمابر: ۳۳۴۳۵۸۸۸-۰۵۱
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۱۱/۴
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۱/۵
شناسه آگهی ۲۱۰۰۱۵۶

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان رضوی

آگهی دعوت مجمع عمومی نوبت سوم شرکت تعاونی مبادلات مرزنشینان بهمن خلیفان شهرستان مهاباد به شماره ثبت ۲۶۳۰ شناسه ملی ۱۴۰۰۸۳۴۳۸۰۵

بنا به تصویب هیات مدیره جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت سوم شرکت تعاونی مبادلات مرزنشینان بهمن خلیفان شهرستان مهاباد راس ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۶ در محل مسجد کوی ۲۲ بهمن واقع در بلوار حمزه آغای منگور تشکیل می گردد. از عموم سهامداران و اعضاء محترم دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم راجع به موضوعات ذیل در روز و ساعت مقرر در محل تعیین شده حضور به هم رسانند و یا با توجه به مفاد ماده ۱۹ آیین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی در صورتی که حضور عضوی در مجمع میسر نباشد، می تواند حق رای خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگر یا نماینده تام الاختیار از میان اعضا یا غیر اعضا واگذار نماید. در این صورت هر عضوی می تواند علاوه بر رای خود حداکثر حق یک رای با وکالت و هر شخص غیر عضو تنها یک رای باوکالت داشته باشد. توضیحا اینکه وکالت نامه های عادی بایستی یک روز بعد از انتشار آگهی مذکور تا یک روز قبل از تشکیل مجمع به غیر از ایام تعطیل در محل دفتر شرکت تنظیم شده و توسط بازرس بررسی و تایید گردد و در غیر این صورت وکالتنامه رسمی حضور در مجمع بایستی به تائید یکی از دفترخانه های اسناد رسمی رسیده باشد.

دستور جلسه:

۱- اتخاذ تصمیم در خصوص طرح و تصویب اساسنامه مورد عمل جدید منطبق با نامه شماره ۱۵۳۴۶۱ مصوب مورخ ۱۴۰۴/۷/۹ وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی

هیات مدیره شرکت تعاونی مبادلات مرزنشینان بهمن خلیفان شهرستان مهاباد
رئیس هیات مدیره - علی خضری راد
نایب رئیس هیات مدیره – فاروق خضری
منشی هیات مدیره – امیر خضری راد

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۱/۴
خ ش ۱۴۰۴/۱۱/۴

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مبادلات مرزنشینان بهمن خلیفان شهرستان مهاباد به شماره ثبت ۲۶۳۰ شناسه ملی ۱۴۰۰۸۳۴۳۸۰۵

بنا به تصویب هیات مدیره جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مبادلات مرزنشینان بهمن خلیفان شهرستان مهاباد راس ساعت ۱۰/۳۰ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۶ در محل مسجد کوی ۲۲ بهمن واقع در بلوار حمزه آغای منگور تشکیل می گردد. از عموم سهامداران و اعضاء محترم دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم راجع به موضوعات ذیل در روز و ساعت مقرر در محل تعیین شده حضور به هم رسانند و یا با توجه به مفاد ماده ۱۹ آیین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی در صورتی که حضور عضوی در مجمع میسر نباشد، می تواند حق رای خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگر یا نماینده تام الاختیار از میان اعضا یا غیر اعضا واگذار نماید. در این صورت هر عضوی می تواند علاوه بر رای خود حداکثر حق یک رای باوکالت و هر شخص غیر عضو تنها یک رای باوکالت داشته باشد. توضیحا اینکه وکالت نامه های عادی بایستی یک روز بعد از انتشار آگهی مذکور تا یک روز قبل از تشکیل مجمع به غیر از ایام تعطیل در محل دفتر شرکت تنظیم شده و توسط بازرس بررسی و تایید گردد و در غیر این صورت وکالتنامه رسمی حضور در مجمع بایستی به تائید یکی از دفترخانه های اسناد رسمی رسیده باشد.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیات مدیره و بازرسان
۲- طرح و تصویب ترازنامه و سایر صورتهای مالی سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳
۳- طرح و تصویب بودجه پیشنهادی هیات مدیره برای هزینه های مالی سال ۱۴۰۴
۴- طرح و تصویب آیین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی (موضوع تبصره ۳ ماده ۳۳ قانون بخش تعاونی) مصوب ۱۳۸۷/۳/۹ با آخرین اصلاحات سال ۱۴۰۲
۵- انتخاب یک نفر بازرس اصلی و یک نفر بازرس علی البدل به علت اتمام مدت ماموریت آنان
۶- انتخاب سه نفر عضو اصلی هیات مدیره و دو نفر عضو علی البدل هیات مدیره به علت اتمام مدت ماموریت آنان

هیات مدیره شرکت تعاونی مبادلات مرزنشینان بهمن خلیفان شهرستان مهاباد
رئیس هیات مدیره - علی خضری راد
نایب رئیس هیات مدیره – فاروق خضری
منشی هیات مدیره – امیر خضری راد

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۱/۴
خ ش ۱۴۰۴/۱۱/۴

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت مهندسی و تامین صنعتی کسری در حال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۵۱۵۸۱۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۸۶۳۶۲

در اجرای ماده ۲۱۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت مهندسی و تامین صنعتی کسری در حال تصفیه (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۵۱۵۸۱۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۸۶۳۶۲ که آگهی انحلال آن در صفحه ۲۱ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۳۳۷۴ مورخ ۱۴۰۴/۴/۷ درج گردیده است دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر یک سال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود را به مدیر تصفیه آقای جلیل کوچک زاده به شماره همراه ۰۹۱۲۲۳۸۳۵۸۹ مستقر در آدرس: تهران - جنت آباد جنوبی - چهار باغ غربی - ۱۶ متری دوم جنوبی - کوچه ۵ غربی - پلاک ۲/۴۶ - واحد ۴ - کد پستی ۱۴۷۴۷۵۷۸۶۵ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد، مسئولیتی نخواهد داشت.

مدیر تصفیه شرکت مهندسی و تامین صنعتی کسری (مسئولیت محدود) در حال تصفیه
آقای جلیل کوچک زاده به شماره ملی ۵۹۲۹۷۳۲۹۴۹
تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۱/۴
خ ت ۱۴۰۴/۱۱/۴

آگهی دعوت مجمع عمومی موسس انجمن صنفی کارفرمایی آموزشگاههای آزاد فنی و حمل و نقل استان

بدینوسیله به اطلاع می رساند اولین مجمع عمومی انجمن صنفی مذکور روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۳ ساعت ۱۰ صبح در محل سالن فنی و حرفه ای شماره یک به آدرس خیابان دانشگاه سه راه دانش - روبه روی بانک ملی مرکز آموزش فنی و حرفه ای شماره یک شهید سلیمانی برگزار می گردد.

از کلیه کارفرمایان عضو شاغل در صنف مربوطه دعوت می شود در جلسه مذکور شرکت نمایند.

دستور جلسه:

۱- تصویب اساسنامه
۲- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره و بازرسان
۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های انجمن

هیات موسس
۱- اله بخش یعقوبی
۲- مسعود شکرزهی
۳- رحمان معین فر

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۱/۴
خ ش ۱۴۰۴/۱۱/۴

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ پلاک شماره ۱۴۳۸ فرعی مفروز ۳۱۵ فرعی از سنگ ۹۷- اصلی واقع در شهرآباد فیروزکوه تاکنون به عمل نیامده است و تصرفات آقای حمیدرضا ایل کافرزند حسین جان در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۸۶۴/۲۳ مترمربع به موجب رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۲۱۰۰۹۲۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۶/۳۱ هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک فیروزکوه به صورت مفروز محرز گردیده لذا در اجرای تبصره ماده ۱۳- قانون مذکور تحدید حدود پلاک در روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۹ راس ساعت ۱۰ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا از مالکین و مجاورین و اصحاب حقوق دعوت می شود در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند. بدیهی است طبق ماده ۲۰ قانون ثبت معترضین بایستی از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود ظرف ۳۰ روز اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک فیروزکوه تسلیم نمایند. در غیر این صورت پس از پایان مذکور نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۴

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه